



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۲

توزیع فضایی آراء یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تمرکز بر هویت زادگاهی/طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی)

هادی اعظمی^۱، وحید صادقی^۲، سید محمد حسین حسینی^{۳*}

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد و عضو انجمن ژئوپلیتیک ایران

۳- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران

Mh.hossein25@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹

چکیده

جغرافیای انتخابات شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی است که به بررسی ابعاد مکانی/فضایی انتخابات می‌پردازد. یکی از ابعاد جغرافیایی انتخابات، الگوی رأی محیطی/زادگاهی است. حوزه انتخابیه ممسنی از آنجاکه بافتاری ایلی و عشایری دارد، الگوی رأی در این فضای جغرافیایی متأثر از گروه‌های قومی و طایفه‌ای است؛ لذا عمده رأی نامزدهای انتخاباتی در فضاها جغرافیایی است که متناسب به ایل و تبار آنها است. از این رو، پژوهش پیش‌رو درصدد است تا پایگاه رأی نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی را در حوزه انتخابیه ممسنی مورد پردازش قرار دهد؟ در بررسی و تحلیل توزیع فضایی آراء به نظر می‌رسد آراء از پراکنش یکنواختی در تمامی مکان‌ها و فضاها جغرافیایی حوزه انتخابیه ممسنی برخوردار نبوده است، بلکه ثقل و تمرکز آراء در فضاها متناسب به بخش‌ها و طوایفی است که از پرنفوس‌ترین جمعیت و میزان رأی‌دهنده را برخوردار است. روش تحقیق پژوهش پیش‌رو، ماهیتی توصیفی و تحلیلی دارد و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و میدانی (مشاهده) است. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد؛ الگوی رأی‌دهی در حوزه انتخابیه ممسنی تحت تاثیر شناسه‌های محلی/مکانی و مقوله طایفه‌گرایی است و این مسئله باعث شده تا توزیع فضایی آراء به صورت همگن نبوده و آراء بازیگران انتخاباتی در زادگاه و قلمرو طایفه آنها بیشتر از دیگر مکان‌ها و سکونت‌گاه‌ها باشد و نامزدهایی که محل تولد آنها از جمعیت کافی برخوردار نباشد، میزان آراء آنها به حد نصاب نرسد.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای انتخابات، توزیع فضایی آراء، طایفه‌گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.



۱. مقدمه

جغرافیای انتخابات، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی و انتخابات دارد و در آن الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، حقوقی حاکم است بررسی می‌شود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۳). توزیع فضایی آراء در هر حوزه انتخابیه‌ای متأثر از بافت و ساختار اجتماعی آن حوزه شکل می‌گیرد. در این بین حوزه‌هایی که از ساخت ایلی/عشایری برخوردار هستند و عمدتاً در مناطق پیرامونی کشور قرار دارند، از پراکنش یکسان فضایی آراء برخوردار نیستند. بلکه آراء نامزدها عمدتاً در حوزه‌های جغرافیایی که عقبه آن نامزد را تشکیل می‌دهد، متمرکز و جمع می‌شود. حوزه انتخابیه ممسنی با توجه به کوچ‌زیست بودن ساکنان این منطقه از ایلات و عشایر جنوب غرب کشور به شمار می‌رود، به نحوی که سازه‌های فضایی و طایفه‌ای دشمن‌زیاری، جاوید، رستم، بکش و قشقای از جمله گروه‌های اجتماعی قومی/طایفه‌ای ساکن در این فضای جغرافیایی به شمار می‌روند؛ لذا از ساختی قومی و طایفه‌ای برخوردار است. از این رو، یکی از ابعاد جغرافیایی انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی، الگوی رأی محیطی و زادگاهی محسوب می‌شود. در واقع جغرافیایی‌ترین نوع رفتار انتخاباتی در حوزه انتخابیه ممسنی، آراء فضایی/قلمرومحور است. یعنی کنش سیاسی مردم در این حوزه انتخابیه سرشتی فضایی و مکانی دارد و نامزدها عمده رأی خود را در فضاهایی که محل تولد آنها است و خویشاوندان و هم‌طایفه‌ای آنها در آنجا ساکن هستند، کسب می‌کنند. بنابراین، از آنجا که غالب تحرکات و کوشش‌های سیاسی که در حوزه انتخاباتی ممسنی شکل می‌گیرد به نوعی ریشه در روابط اکولوژیک انسان و مکان و فضا دارد و در هم تنیده با عرق محیطی و زیستگاهی است، مورد توجه علم جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرد. از این رو پژوهش حاضر در پی تبیین فضایی توزیع آراء یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی است؟

۲. روش تحقیق و نوآوری

روش تحقیق پژوهش پیش‌رو، ماهیتی توصیفی و تحلیلی دارد و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و میدانی است. در رابطه با ادبیات پژوهش (انتخابات ممسنی) تاکنون اندک‌نوشتارهایی وجود داشته است. اما آنچه که پژوهش کنونی را با این نوشتارها متمایز و جدا می‌کند، تحلیل دقیق دور یازدهم انتخابات و تبیین نظری مقوله طایفه‌محوری از منظر جغرافیای انتخابات است. بنابراین، این مقاله از این حیث مستفیض از نوآوری و ابتکاری است. پرسمان مقاله حاضر نوع کنش زیستی و سیاسی رأی‌دهندگان و باشندگان ممسنی است که مبتنی بر انگاره‌های محیطی و طایفه‌ای است و نه تنها همسو با تشکلهای و طیف‌های سیاسی (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) نیست، بلکه شدیداً در تقابل با الگوی رأی عقلانی و آرمان‌گرایانه است؛ همین مسئله، حوزه انتخابیه ممسنی را در حصول به توسعه سیاسی مقبول از دسترس دور ساخته و سیمایی سنتی و پیشامدرن بر آن جلوه ساخته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. جغرافیای انتخابات

انتخابات^۱ یکی از موضوعات مطرح در جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان جغرافیای انتخابات شناخته می‌شود (پیشگاهی فرد و راستی، ۱۳۸۴: ۵۲). جغرافی دانان افزون بر مقوله «کیستی» افراد در فرایند انتخابات به مقوله «کجایی» زندگی و زیست فرد نیز اهمیت قائل هستند، به طوری که نقش مکان در فهم و تحلیل جستار مذکور مهم ارزیابی می‌شود و از آن به تحلیل تفاوت‌های فضایی می‌پردازند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹). هستی‌شناسی عینی پدیده رأی و توزیع فضایی آراء، این گرایش را در پیوند با رویکرد فضایی قرار داده، به گونه‌ای که درصد بالایی از آثار موجود در گستره جغرافیای انتخابات بر اساس چنین دیدگاهی نوشته شده‌اند (میراحمدی و کاویانی‌راد، ۱۳۹۶: ۱۰۶). با این رهیافت می‌توان گفت، جغرافیای انتخابات^۲، به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی (pattie & Johnston, ۲۰۰۶: ۲) و مطالعه اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Estes, 2005: 78). به عبارتی، جغرافیای انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۶۳).

۳-۲. توزیع فضایی آراء

سازمان فضایی و الگوهای فضایی برآمده از انتخابات، وجود نگرش‌های متفاوت در رفتار سیاسی رأی‌دهندگان حوزه‌های گوناگون انتخابیه را نشان می‌دهند. رأی‌دهندگان به هنگام رأی دادن متأثر از عوامل گوناگون محیطی هستند که به خواست و الگوی فضایی آراء رأی‌دهندگان جهت و معنا می‌دهند. توزیع فضایی رأی در بسیاری از جوامع تابعی از هویت‌های مکانی نامزد انتخاباتی و هویت رأی‌دهندگان است، به نحوی که جهت‌دهنده شخص در نوع رأی بیش از آنکه طبقه اجتماعی او باشد شرایط مکانی است که در آنجا زندگی می‌کند. این الگوی رأی‌گیری مکان‌محور، نتیجه فرایند تغییر از طریق گفت و شنود است، زیرا بیشتر افرادی که با هم گفتگو و تعامل می‌کنند همانند «هم» نیز رأی می‌دهند. نتیجه آنکه الگوی فضایی انتخابات متأثر از هماهنگی فرد با محیط، گرایش به جریان‌های سیاسی و افرادی است که در هماهنگی، همنوایی و تقویت مناسبات ساختارها و کارکرد عناصر فضایی عمل می‌کنند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۵۴).

۳-۳. طایفه‌گرایی

طایفه^۳ واحد جغرافیایی/اجتماعی است که مردمانی با خصلت‌های تقریباً مشترک را در خود جای داده و عمدتاً از علائق و اهداف مشاعی برخوردار هستند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۷). طایفه‌گرایی^۴ در قالب هویت مکانی نوعی آگاهی

¹. Election

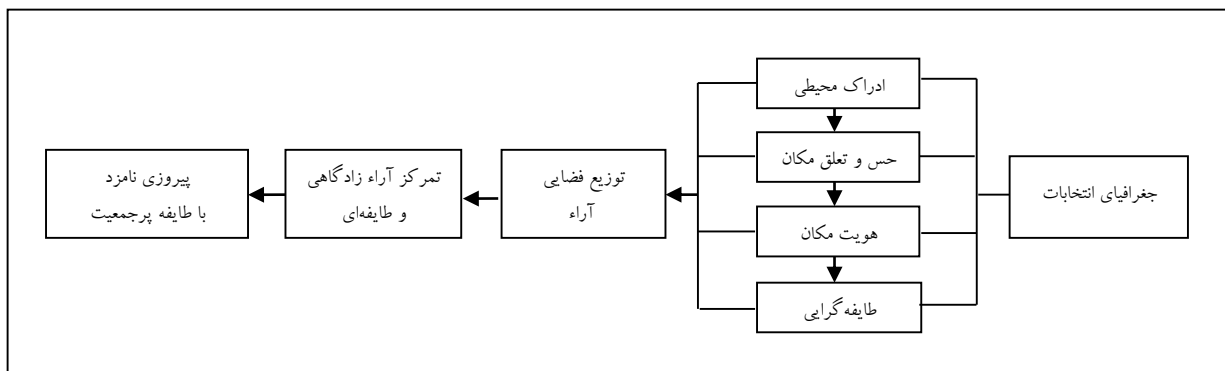
². Electoral Geography

³. Tribe

⁴. Tribalism

محیطی است که از برهمکنش انسان و مکان و فضا (اکوسیستم) شکل می‌گیرد و جغرافیای شخصی افراد (نقشه ذهنی^۱ رأی‌دهنده) را به گونه‌ای شکل می‌دهد که منجر به برانگیختگی احساس و هیجان افراد در جهت مشارکت و دفاع از نامزد انتخاباتی قلمرو طایفه‌ای و زیستگاهی خود می‌شود (اعظمی، صادقی و حسینی، ۱۳۹۷: ۷).

الگوی شماره ۱: الگوی نظری تحقیق



(ترسیم از نگارندگان)

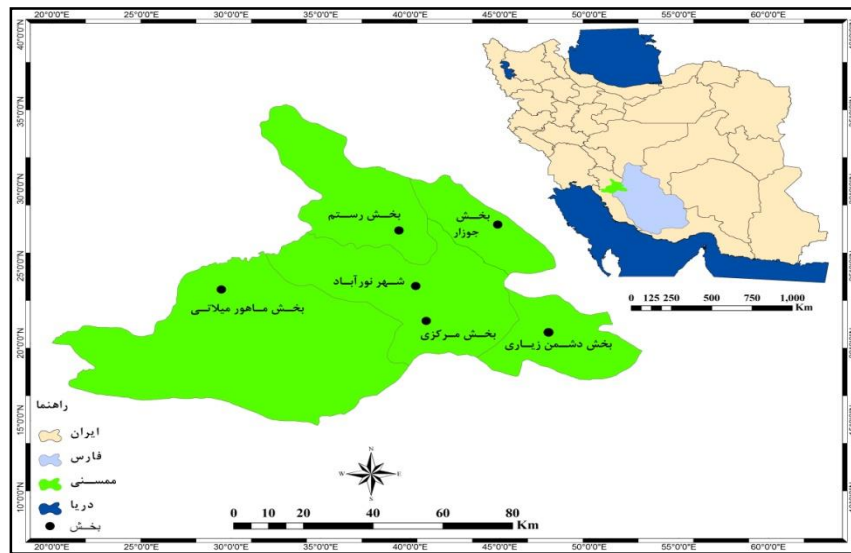
تبیین روابط بین مفاهیم تحقیق بر بنیاد الگوی نظری فوق بدین شرح است که ابعاد و مولفه‌های جغرافیایی انتخابات شامل ادراک محیطی، حس و تعلق مکان، هویت مکان و طایفه‌گرایی است. این مفاهیم و متغیرها، روابط سلسله‌مراتبی و عمودی با یکدیگر دارند و زیرساخت مفهوم طایفه‌محوری را که متغیر اصلی پژوهش است را شکل می‌دهند. گرایش‌های قومی و طایفه‌ای یکی از عواملی است که بر الگو و توزیع فضایی رأی تأثیرگذار است و منجر به تمرکز و انبوه آراء نامزدها در مکان‌ها و فضاهای جغرافیای زادگاهی و طایفه‌ای می‌شود. در این شرایط فضای جغرافیایی و طایفه‌ای که از جمعیت بیشتری برخوردار باشد، پیروز کارزار انتخابات می‌شود. بنابراین، بین ابعاد و مولفه‌های فضایی/مکانی انتخابات و تأثیر آن بر توزیع فضای رأی و در نهایت تمرکز و تراکم آراء در حوزه‌های زیستی/طایفه‌ای ارتباط معنادار و سراسری وجود دارد.

۴. قلمرو پژوهش

بر بنیاد سازمان سیاسی فضا، ممسنی با مرکزیت «نورآباد» یکی از ۲۹ شهرستان استان فارس است. این فضای جغرافیایی شامل سه گروه زبانی لری (اکثریت)، ترکی قشقایی (اقلیت) و عربی (اقلیت)، با اختصاص ۶۸۰۱ کیلومتر مربع از مساحت استان، ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از پنج بخش مرکزی (بکیش و جاوید)، جوزار (جاوید)، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی تشکیل شده است.

^۱. ادراک محیطی

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی و رستم



منبع: (صادقی، ۱۳۹۳: ۵۴)

شهرستان ممسنی ضمن اینکه در مقیاس کلان و کشوری با عنوان «شهر دانشجو» شناخته می‌شود از آن به «شهر طایفه‌ای» هم یاد می‌شود (میرزایی تبار، صادقی و حسینی، ۱۳۹۷: ۳۱۲). وجود و نقش آفرینی گروه‌های قومی و طایفه‌ای جاوید، رستم، بکیش، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی باعث شده تا برچسب و پلاک «طایفه‌ای» بر این فضای جغرافیایی وارد شود. تحرکات این بازیگران سستی عمدتاً در متن سیاسی و به ویژه انتخابات (مجلس و شورا) شکل می‌گیرد و هر یک در این عرصه نامزدهایی را معرفی و تمام کوشش و تلاش خود را مبنی بر پیروزی و کامیابی در این عرصه به کار می‌گیرند. از این‌رو، عمده رأی این اکتیویست‌های انتخاباتی در طوایف و زادگاه جغرافیایی خود متمرکز و متراکم می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش؛ بحث و پردازش

۵-۱. انتخابات دور یازدهم مجلس شورای اسلامی و توزیع فضایی آراء

برگزاری انتخابات یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی مردم برای تعیین حق سرنوشت است. بر طبق اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد (عباسی و دهانی، ۱۴۰۰: ۲۴۷). از این حیث، افراد واجد شرایط در حوزه انتخابیه ممسنی طی یازده دوره به انتخاب نامزدهای انتخاباتی پرداخته‌اند. در این چارچوب، یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲ اسفند برگزار شد. این انتخابات در شرایط حساس و کاملاً متفاوتی نسبت به ادوار قبل برگزار شد. وقوع حوادث و رخدادهایی نظیر جاری شدن سیل و خسران و آسیب دیدن سکونتگاه‌های شهری

¹ . Student City

² . Tribal City

و روستایی، افزایش قیمت بنزین بدون اقناع افکار عمومی و اعتراضات برآمده از آن، سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی و توجه افکار عمومی جهان به خود، ساختار اقتصادی بحران‌زده و دارای بیماری مزمن کشور و دور بودن از شبکه تجارت جهانی و تنگنای سخت تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان او در حوزه اقتصاد و به تبع آن وضعیت معیشتی/اقتصادی نامناسب مردم، تورم بالا، پول ملی ناتوان، رکود اقتصادی طولانی مدت، ذخایر ارزی تحلیل رفته، کمپین رأی ندادن در انتخابات توسط اپوزسیون^۱، شیوع کروناویروس، متحدین منطقه‌ای تضعیف شده و از این دست بیانگر آن بود که برآورد می‌شد میزان مشارکت کاهش یابد که در واقع همینطور هم شد و مجلس یازدهم کمترین میزان مشارکت (۴۲/۵۷) را به نام خود ثبت کرد. نتایج نهایی انتخابات نشان می‌دهد که درصد بالایی از نمایندگان مجلس دهم تغییر کرده و اکثریت قاطع این مجلس را طیف سیاسی اصولگرا تشکیل می‌دهد. تا پیش از حوادث اواخر آبان ماه (اعتراضات در کشور) فضای حوزه انتخابیه ممسنی رفته رفته انتخاباتی می‌شد، ولی اخبار افزایش نرخ حامل‌های انرژی و اعتراضات و گرانی‌های ناشی از آن باعث شد برای مدت کوتاهی رکود انتخاباتی ایجاد شود. با این حال از زمان مشخص شده برای ثبت نام در انتخابات (۱۰ تا ۱۶ آذر) فضای انتخابات دوباره بازساخت شد. گمانه‌زنی‌ها و رایزنی‌ها بین جریان‌ها و مردم (قبل و حین ثبت نام در انتخابات) در رابطه با اینکه چه افرادی وارد گوی رقابت می‌شوند، بازتولید شد. دقیقاً بعد از پایان روز ثبت نام، شبکه‌های مجازی و اجتماعی با شناسه و مرانامه‌های مشخص شروع به نقش‌آفرینی کردند. در آغاز ۲۶ نفر در حوزه انتخابیه ممسنی ثبت نام کردند که عبارت بودند از: محمد محمودی، عبدالرضا مرادی، مهدی افشون، محمود کرمی، ایمان کردستانی، سید عبدالوهاب محمدی، عطاء قانادی، سید عبدالحمید سادات، سلیمان محمودی، خدابخش سلیمانی، سید علی عباسیان، محمد علی دارابی، فرشاد حیاتی، فتح اله دهقان، سید علی حسینی، فرهاد صفری، جعفر شریفی، مسعود گودرزی، نوذر شفیعی، مجید انصاری، سید جعفر هاشمی، مصطفی امیری، نوذر بناوی، عبدالحمید ندری، علی صفری و امین عربی. از این ۲۶ نفر، صلاحیت ۹ نفر یعنی مجید انصاری، سید علی حسینی، فتح‌اله دهقان، علی اصغر زارعی، جعفر شریفی، فرهاد صفری، سید علی عباسیان، محمد جواد احمدی و عبدالحمید ندری مورد تایید قرار گرفت. از میان این ۹ نفر محمدجواد احمدی، علی‌اصغر زارعی، فرهاد صفری، سید علی عباسیان، و جعفر شریفی قبل از برگزاری انتخابات انصراف خود را از ورود به انتخابات اعلام کردند و وارد کارزار انتخابات نشدند. مدتی بعد با تغییر حوزه علی احمدی، کاندیدا و نماینده دوره هفتم ممسنی و اضافه شدن وی، پنج نفر یعنی علی احمدی، مجید انصاری، عبدالحمید ندری، سید علی حسینی و فتح‌اله دهقان وارد پویش سیاسی انتخابات شدند و به رقابت با یکدیگر پرداختند (جدول شماره ۱) (فرمانداری ممسنی، ۱۳۹۸). هر کدام از این بازیگران از اندیشه و تفکر خاص و طیف سیاسی متفاوت و از حوزه‌ها و قلمروهای جغرافیایی متفاوتی برخاسته بودند. در بین این بازیگران نام دو کنشگر قلمرو جاوید و رستم یعنی علی احمدی و مجید انصاری خوش‌اقبالتر می‌نمود. در قلمرو

۱. کمپین «رأی بی‌رأی» و «اسفند بدون رأی» برای سازماندهی و تشویق به تحریم هدفمند انتخابات شکل گرفت.

بکش نام چندان پرفروغی وجود نداشت؛ چراکه نامزدهای پروزن این طایفه یعنی عبدالرضا مرادی و مسعود گودرزی مجاز به ورود به عرصه انتخابات نشدند. دیگر بازیگران یعنی عبدالحمید ندری، فتح‌اله دهقان و سید علی حسینی از چهره مشهور و شناخته شده‌ای برخوردار نبودند.

در منطقه جاوید بعد از آنکه هیچکدام از کاندیدای این طایفه از صافی شورای نگهبان عبور نکردند و نتوانستند وارد پیکار انتخابات بشوند، فضای جغرافیایی این طایفه دچار خلاء قدرت شد. این مسئله و همچنین درخواست کثیری از بدنه جامعه، باعث شد برخی از نامزدها همچون علی احمدی که در دیگر حوزه‌های انتخاباتی ثبت نام کرده بودند زمینه برای ورود وی به این حوزه انتخابیه فراهم شود. از این رو، علی احمدی با ورود به حوزه انتخابیه بومی خود در مقام کاندیدای منطقه جاوید سر بر آورد. احمدی نامزدی باتجربه، بی‌پروا، اهل نقد و نظر (عضو هیئت علمی دانشگاه) و بانفوذ در سطح کلان بود و توان جذب آراء نه تنها در بین ساکنان قلمرو فضایی و طایفه‌ای خود را داشت، بلکه در دیگر مکان‌ها و فضاها این توانمندی را هم داشت.^۱ بنابراین، در فرآیند سیاسی شهرستان و کانون قدرت تاثیرگذار و حضور او در پیکار انتخابات معادلات بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را تغییر خواهد داد. وی دارای مبانی فکری مشخص (پای‌بند به انقلاب) و از آنجا که یک دوره سابقه نمایندگی را در رزومه عملکردی و سیاسی خود داشت به این اعتبار، دارای جایگاه و پایگاه قوی مردمی در حوزه سیاسی؛ و چهره‌ای شناخته شده و اشتهار داشت. بنابراین هم زمینه برای وی فراهم بود و هم رخساره‌ای محلی و ملی شناخته شده‌ای داشت. این بازیگر هر چند به لحاظ دسته‌بندی‌های سیاسی جزء طیف سیاسی راست (اصولگرا) شناخته می‌شود، ولی رویکردها و کنش‌گری‌های آن متقدانه و مواضع رفورمیستی داشته است. با این حال از منظر ژرف-کاوی مسائل به نظر می‌رسد پاشنه آشیل احمدی، سابقه نمایندگی وی در مجلس هفتم و رو شدن جنبه‌های منفی کارنامه‌اش بود؛ چراکه مردم و رأی‌دهندگان (به ویژه مردم دیگر طوایف) همواره بر این باورند که نمایندگان سابق نتوانسته‌اند آنطور که بایسته است زمینه توسعه و بالندگی حوزه انتخابیه را فراهم کنند. به همین دلیل به چهره‌ها و نامزدهای جدید روی می‌آورند تا بخت خود را از این طریق آزمایش کنند. در این باره رفتارشناسی طایفه بکش قابل ملاحظه است که از طریق بازساخت ذهنیت توده نسبت به عملکرد ضیق دوره نمایندگی احمدی و آنچه به زعم افراد این طایفه، نگرش طایفه‌محور احمدی به امورات و به ویژه نفوذ جاویدی‌ها در بیشتر نهادها و ادارات، نامیده می‌شد، نخبگان قلمرو بکش را به حاشیه رانده بود. از این رو، بخشی از بدنه طایفه بکش از این قضیه گله‌مند و در نتیجه ردصلاحیت عبدالرضا مرادی (نامزد اصلی بکش) به سمت مجید انصاری (طایفه رستم) رقیب اصلی احمدی (طایفه جاوید) گام برداشتند و بخشی هم به دلیل اینکه احمدی متعلق به بخش مرکزی است به آن رأی دادند. بخش بزرگی از مردم بکش و جاوید نیز رأی ندادند (یافته‌های میدانی نگارندگان).

^۱. علی احمدی نماینده دور هفتم حوزه انتخابیه ممسنی و رستم و جانشین دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

در قلمرو بکش دو نامزد انتخاباتی به نام عبدالحمید ندری و فتح‌اله دهقان حضور داشت. هر دو بازیگر ناشناخته، جوان و برای نخستین بار بود که پا به صحنه انتخابات گذاشته بودند و به سان دیگر بازیگران، آزموده، فضاشناس و موقعیت‌شناس نبودند، وانگهی نه تنها عمق جغرافیایی وسیعی در قلمرو خود نداشتند، بلکه در پهنه جغرافیای شهرستان گمنام و تاریک بودند. از همان آغاز نمودار بود که این دو کنشگر، کاریزمایی برای منسجم کردن آراء فضای جغرافیایی قلمرو خود یعنی بکش را ندارند. بنابراین زمینه را برای شکندگی آراء و پخش فضایی آن فراهم می‌کردند. هرآینه نامزد اصلی طایفه بکش عبدالرضا مرادی بود و پس از آنکه وی تایید صلاحیت نشد و به تبع آن وارد گوی مسابقه نشد، عملاً ساکنان و رأی‌دهندگان بکش نتوانستند رویکرد ژئوپلیتیک منسجم و متحد خود را حفظ و به نمایش بگذارند، به نحوی که برخی از آراء این قلمرو پرنفوس به سمت طرفداران دو کاندیدای پروزن و حاذق یعنی احمدی و انصاری رفتند (موازنه مثبت) و بخشی از آراء این طایفه که متناسب به تیره‌هایی بودند که ندری و دهقان در آنجا عقبه داشتند به سمت این دو نامزد روی آوردند. تیره‌گرایی پایگاه اصلی و فضایی آراء ندری و بخشی از بدنه تیره عالیوند پایگاه رأی دهقان (داماد تیره عالیوند) را تشکیل داده بود. بعد از عبدالرضا مرادی به نظر می‌رسد مسعود گودرزی از اقبال بیشتری نسبت به شفیع در منطقه بکش برخوردار بود. گودرزی که در دور قبل (دور دهم) خوش درخشیده بود، نامزد بخشی از بدنه بکش و در واقع به واسطه پیوند خونی و خویشاوندی که با طایفه جاوید از طریق همسر (جاویدی) خود کرده بود، نامزد اصلی طایفه جاوید به شمار می‌رفت و از این رو توانست با همیاری متنفذین قلمرو جاوید (محمد رنجبر و غیره) و آراء این طایفه با یک حمله برق‌آسا رقیب پرتوان و باتجربه خود (عبدالرضا مرادی) را به اصطلاح «فتیله‌پیچ» کند. این فعال سیاسی در صورت مجاز به وارد شدن به عرصه انتخابات دور یازدهم می‌توانست این قلمرو را منسجم‌تر کند. به نظر می‌رسد نوذر شفیع وزن چندانی برای متحد کردن ساکنان قلمرو خود به سود خویش نداشت و در دور نهم هم که توانسته بود پیروز و وارد پارلمان شود به نظر ریشه در حوادث و رویدادهایی داشت که در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم رخ داد و گرنه طبق داده‌ها، دیده‌ها و گزارش‌ها با رخ ندادن آن اتفاقات فرجام انتخابات به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. چرایی ضعف محبوبیت و جذابیت این بازیگر، بخشی ریشه در ناشناختگی و پایتخت‌نشینی (تهران‌نشینی) وی و بخشی ریشه در عملکرد دوران نمایندگی وی دارد (یافته‌های میدانی نگارندگان).

در منطقه جغرافیایی رستم بعد از آنکه سید جعفر هاشمی در مقام دیرپاترین و پروزن‌ترین نامزد انتخاباتی این طایفه به دلیل رد صلاحیت نتوانست وارد انتخابات شود و دیگر بازیگران انتخاباتی نظیر سید یداله حسینی و سید علی عباسیان و غیره در حمایت از مجید انصاری از صحنه رقابت کناره‌گیری کردند، عملاً و به طور آشکارا

^۱ محمد رنجبر، یکی از نقش‌آفرینان مهم پازل انتخابات در قلمرو جاوید به شمار می‌رود. از او اگر به عنوان پدرخوانده طایفه جاوید نام ببریم، اغراق نکرده‌ایم. وقتی دنباله بسیاری از تصمیمات انتخاباتی در طایفه جاوید را بگیریم به وی می‌رسیم.

زمینه برای جنبش و نقش آفرینی هر چه بیشتر مجید انصاری آماده شد. انصاری، فردی حقوق‌دان و از مبانی فکری ارزشی و ایدئولوژیک (جهادی و انقلابی) برخوردار است. وی که از دور نهم تا این لحظه در صحنه انتخابات حضور داشت، از پشتوانه ژئوپلیتیکی پهناوری برخوردار است. این نقش آفرین در دور نهم تقریباً سی هزار رأی را توانست کسب کند و در جایگاه سوم قرار گرفت و همچنین در دور دهم تقریباً بیست هزار رأی اخذ کرد، تا اینکه در دور یازدهم توانست با تحصیل پنجاه هزار رأی جایگاه نخست را از آن خود و پیروز نبرد انتخابات شد. تبیین چرایی پیروزی مجید انصاری چهار نوع استدلال را بازگو می‌کند: پراکنش فضایی و مکانی آراء مجید انصاری نشان می‌دهد که آراء این بازیگر در قلمرو خود یعنی رستم متمرکز بوده است؛ یعنی وی در طایفه خود بیشترین میزان رأی را کسب کرده است. بنابراین یکی از نیرومندترین عوامل پیروزی انصاری، مقوله محیط‌گرایی و طایفه‌محوری بوده است. دومین استدلال؛ فقدان تعدد کاندیدا و نامزدهای انتخاباتی در طایفه رستم که این مسئله باعث شده بود طی چند دوره انتخابات مجلس، قلمرو رستم نتواند آنچنان در عرصه انتخابات خوش‌بتابد، ولی در این دوره با حضور یک نفر و آن هم مجید انصاری خوش‌بینه و با تجربه‌های انتخاباتی عظیم، عملاً زمینه برای پیروزی وی فراهم شد. سومین دلیل؛ رد صلاحیت هم‌اورد قدرتمند وی یعنی سید جعفر هاشمی است. در صورت حضور هاشمی در صحنه به دلیل شکاف فرهنگی و فضایی - مکانی میان بخش مرکزی و بخش سورنای شهرستان رستم، قطع به یقین نتیجه انتخابات به گونه دیگری رخ می‌داد. حتی اگر دیگر رقبای غیرطایفه‌ای ایشان نظیر عبدالرضا مرادی و غیره در صحنه حضور می‌داشت شاید بتوان گفت که در تعداد آراء کنونی این بازیگر تفاوت‌هایی به وجود می‌آمد. چهارمین برهان؛ رأی‌ندادن درصد بزرگی از ساکنان ممسنی و به ویژه جاویدی‌ها که موجب غافلگیری در نتیجه انتخابات شد. یکی دیگر از عواملی که باعث پیروز شدن انصاری شد، تبلیغات و جنبش این بازیگر بود. به نظر می‌رسد کادربندی و تحرکات این بازیگر به مراتب نسبت به دیگر رقبا و به ویژه علی احمدی افزون‌تر و عیان‌تر بود و از مدت‌ها قبل به گوش می‌رسید که انصاری برای دور یازدهم کوله بار خود را سخت بسته است. از طرفی از آنجا که کوشندگان سیاسی رستم طی چند دوره انتخابات به طور متوالی نتوانسته بودند کاندیدایی از فضای جغرافیایی خود به پارلمان بفرستند، در این دوره رأی‌دهندگان این سامان سیاسی، کارمایه و شوق بیشتری برای رأی دادن نسبت به دیگر مکان‌ها و فضاها داشتند. از این رو، با بسیج و مشارکت حداکثری خیره‌کننده خود زمینه کامیابی نامزد هم‌طایفه‌ای خود را فراهم کردند. از سوی دیگر، می‌توان به شکاف میان طوایف بکش و جاوید در شهرستان ممسنی اشاره کرد. بر این اساس، بخشی از ساکنان بکش با حمایت از مجید انصاری (طایفه رستم) منجر به بهبود وضعیت آراء وی در بخش مرکزی ممسنی شدند که خود در افزایش فاصله رأی (تقریباً ۱۷ هزار رأی) انصاری و احمدی نقش داشت.

با این دیپاچه (رهیافت)، پس از اینکه لیست نهایی نامزدهای انتخاباتی تایید صلاحیت شده توسط ارگان‌های مربوطه معرفی شد، گویا از پیش مشخص بود که سرنوشت انتخابات چه خواهد شد. بدین معنی که انگار جغرافیای

قدرت قصد پایش حوزه انتخابیه را دارد. چراکه این تعدد کاندیدا نسبتی با تکثر جغرافیای سیاسی حوزه انتخابیه نداشته و تنها بخش کوچکی از آن را بازتاب می‌داد. در واقع پس از آنکه نامزدهای پروزن و با رویکردهای نگرشی، طیفی و طایفه‌ای گوناگون و متنوع نتوانستند وارد عرصه رقابت بشوند عملاً نوعی یأس و دلسردی در جامعه رخ داد و همین مسئله باعث شده بود تا زمزمه یک‌بعدی نمودن جامعه و از بین رفتن تکثر افکار و عقاید به معنای آنچه در ادبیات علوم سیاسی «پاک‌سازی سیاسی» و «مهندسی انتخابات» نامیده می‌شود، در فضای جغرافیایی پخش شود. در این دوره نامزدهای طایفه‌ای از تنوع گسترده‌ای برخوردار نبودند و حوزه‌های جغرافیایی طوایف اگر از نامزدهایی برخوردار بودند یا پرآوازه نبودند (مثل دهقان و ندری از طایفه بکش) و یا خیلی با تأخیر وارد صحنه انتخابات شدند (مثل احمدی از طایفه جاوید) و یا اینکه از تکثر نامزدی برخوردار نبودند (مثل انصاری از طایفه رستم) و یا اینکه اصلاً کاندیدایی در انتخابات نداشتند (ماهور میلّتی و دشمن‌زبیری). از طرفی، هم‌حزبی بودن و از یک طیف سیاسی برخوردار بودن نامزدهای تایید صلاحیت‌شده، الگوی رأی‌حزبی و سیاسی را در حوزه انتخابیه کم‌رنگ و ناپدید می‌کرد و همین مسائل باعث غیررقابتی شدن انتخابات می‌شد.^۱ از این رو، این نوع چیدمان و رویکرد سیاسی عملاً انگیزه رأی‌دهی و شور مشارکت در انتخابات را کاهش می‌داد و بسیاری بر این باور بودند که سطح مشارکت در انتخابات پیش‌روی مجلس کاهش معناداری خواهد داشت. اما همین‌طور که فرایند انتخابات و تبلیغات بازیگران چه در عرصه فضای جغرافیایی و چه در فضای مجازی در حال سپری شدن بود، ناگاه زمزمه و نجوای ورود یکی از بازیگران فرهمند و قدرتمند منطقه ممسنی به عرصه انتخابات به گوش رسید و این فرد کسی نبود جزء علی احمدی. احمدی نماینده سابق حوزه انتخابیه ممسنی در دوره هفتم مجلس که در حوزه انتخابیه تهران نام‌نویسی کرده بود بعد از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، درخواست تغییر حوزه انتخابیه به ممسنی را به فرمانداری شهرستان ممسنی تحویل داد. اعضای هیات اجرایی انتخابات با درخواست تغییر حوزه نماینده سابق مخالفت کردند. بنابراین در وهله نخست از ورود این بازیگر خوش‌بین به انتخابات جلوگیری شد تا اینکه عاقبت بعد از رایزنی، احمدی توانست موافقت و همراهی مسئولان را حفظ و از حوزه انتخابیه تهران به حوزه انتخابیه ممسنی وارد شود. بعد از آنکه احمدی در مقام نماد یا کهن‌الگوی سیاسی با خاصیت زایش رأی و برخوردار از سبد رأی غنی وارد پویش انتخابات شد، صورت‌بندی رقابت‌ها تغییر و دیگر به آن سراسستی نمی‌شد برآورد کرد که انصاری پیروز است؛ این موضوع باعث می‌شد مسیر پیروزی انصاری ناهموارتر شود؛ چراکه احمدی، سیاسی سرسخت و مبارز، با تجربه یک دوره نمایندگی و با جایگاه بالا در ساختار سیاسی کشور بود. این نامزد انتخاباتی در سخنرانی تبلیغاتی خود در استادیوم شهید لشکری گفت: حضور پرشور شما مردم در این مکان و شرکت در انتخابات پاسخ منفی به کسانی است که ادعای مهندسی انتخابات را داشتند (احمدی، ۱۳۹۹).

۱. اصولگرایان بر سر ماهی‌گیری در حوضی به تقلا برخاستند که در آن حوض دیگر ماهی وجود ندارد.

رویه‌مرفته، بعد از ورود احمدی به انتخابات، اندکی شاهد شکل‌گیری شور و شوق انتخاباتی و عملاً عرصه رقابت بین این دو بازیگر شکل گرفت و تمامی نگاه‌ها و افکار عمومی به سمت این دو بازیگر گرایش پیدا کرد و این مسئله باعث شد دیگر نامزدهای انتخاباتی یعنی دهقان، حسینی و ندری به حاشیه رانده شوند، چراکه این بازیگران به حیث سابقه کنش‌گری و شهرت در مقایسه با احمدی و انصاری که چندین سال سابقه نمایندگی و تکاپو در انتخابات را داشتند، نبودند. بنابراین، هم‌اوردی سیاسی تن به تن بین این دو اکتیویست انتخاباتی آغاز شد. یکی از قلمرو جغرافیایی رستم با وزن جمعیتی فوق‌العاده و دیگری از سامان جغرافیایی جاوید با وزن سیاسی بالا. تبلیغات هر دو بازیگر در مکان‌ها و سکونتگاه‌های شهری و روستایی انجام می‌گرفت و هر کدام سعی می‌کردند توده رأی‌دهنده را با برنامه‌ها و اندیشه‌های خود آشنا و اقناع کنند. همچنین از آنجا که امروزه روز عمده تبلیغات نامزدها در فضای مجازی از طریق کانال‌ها و برنامه‌هایی نظیر واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و غیره پیش می‌رود، به نظر می‌رسد پیروان و اطرافیان مجید انصاری نسبت به علی احمدی فعالتر و پرتحرک‌تر ظاهر شدند. این کنشگران نیک دریافته بودند که پس از چند دهه تلاش و تقلا و ناکامی‌های انتخاباتی باید از این فرصت ژئوپلیتیک پیش آمده در این دوره که فضای جغرافیایی رستم، همگن و یکنواخت و بدون شکاف سیاسی و جغرافیایی ظاهر شده و رقیب چندان فراوانی در پیش روی آنها نیست، سود جویند. بنابراین با استنباط این موقعیت سیاسی، تمام تلاش خود را در جهت جذب آراء انجام دادند. آن سوی دیگر داستان علی احمدی و یارانش قرار داشت که کمی نامنجم و ناهماهنگ به نظر می‌رسیدند. احمدی با تاخیر وارد گوی رقابت شد و از این حیث بخش سترگی از زمان‌های مهم و راهبردی خود را برای تبلیغات از دست داد. تیم تشکیلاتی و انتخاباتی احمدی ناهماهنگ و آنچنان پراکنجه نبود. در واقع جغرافیای احمدی، کم‌انرژی و بی‌رمق، ولی جغرافیای انصاری پراثری و تشنه به نظر می‌رسید. در تقابل بین این دو جغرافیا، فضای جغرافیایی جاوید به زانو درآمد. همچنین باید اذعان داشت که به حیث سازمان سیاسی فضا و تقسیمات کشوری، رقابت‌های انتخاباتی در حوزه انتخابیه ممسنی عمده‌تاً در قامت عنصر «بخش» شکل می‌گرفت که در این دوره این عنصر تقسیمات کشوری تغییر و ارتقاء به «شهرستان» شد. به دیگر سخن، کارزارهای انتخاباتی بین بازیگران در حوزه انتخابیه ممسنی همیشه در فرم بخش و هر بخش، زادگاه و زیستگاه طایفه‌های موجود در ممسنی هستند، شکل می‌گرفت، ولی در این دوره رقابت بین دو کاندیدایی شکل گرفت که هر دو نه تنها از یک بخش و یا یک طایفه نبودند، بلکه از یک شهرستان هم برخوردار نبودند، به نحوی که یکی از شهرستان ممسنی و دیگری از شهرستان رستم بود. بنابراین، خاستگاه فضایی و مکانی دو بازیگر که یکی از قلمرو رستم و دیگری از قلمرو ممسنی بود زمینه را برای رقابت‌های شهرستانی و دوشقه کردن جامعه در کنار هم‌اوردی-های متداون و پربسامد بخشی یا طایفه‌ای فراهم کرد و بیم آن می‌رفت (به حیث آسیب‌شناسی) که «رقابت‌های شهرستانی» هم به «رقابت‌های بخشی و طایفه‌ای» هم اضافه شود.^۱ آشکارترین و بنیادی‌ترین برهانی که باعث می‌شد

۱. پایگاه خبری تحلیلی خبرنگورآباد از این مسئله با عنوان "خطرناک‌ترین پدیده انتخابات نام برده است."

رقابت‌های شهرستانی به رقابت‌های طایفه‌ای هم اضافه شود، رویکرد جغرافیای قدرت است. نگاه جغرافیای قدرت به حوزه انتخابیه بر بنیاد رهیافت‌ها و مسائلی استوار است که حوزه انتخابیه را مورد پایش و کنترل قرار می‌دهند. چپش نامزدهای هر حوزه جغرافیایی مربوط به جغرافیای قدرت است. در واقع این جغرافیای قدرت است که رخصت می‌دهد قلمرو رستم یا بکش یا جاوید و غیره نامزدی در انتخابات داشته باشد یا خیر. جدای از این گزاره‌ها، درباره این دو رقابت دو تبیین وجود دارد: نخست؛ در صورت رقابت‌های طایفه‌ای یا بخشی کدام طایفه پیروز کارزار بود؟ قطع به یقین این طایفه رستم است که پیروز انتخابات می‌شد؛ چراکه از جمعیت بیشتری نسبت به طایفه جاوید برخوردار بود. دوم؛ در صورت رقابت‌های شهرستانی، کدام شهرستان کامیاب می‌شد؟ هرآینه این شهرستان ممسنی است که پیروز انتخابات می‌شد؛ چراکه نسبت به شهرستان رستم از جمعیت بیشتری برخوردار است. با این حال به نظر می‌رسد نبرد بین انصاری و احمدی به شکل همان رویه سابق یعنی طایفه‌ای شکل گرفت و نه به صورت شهرستانی. چراکه اولاً پایگاه رأی انصاری محدود به قلمرو رستم نشد و در دیگر مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی نظیر بخش ماهور میلاتی و دشمن‌زیاری و بخشی از بدنه اجتماعی بکش گسترش داشت. از طرفی وجود طوایف متکثر در شهرستان ممسنی در تطبیق با فقدان تکرر طایفه‌ای در شهرستان رستم که عمدتاً همه از یک طایفه هستند عملاً از یکسو شهرستان ممسنی را نامنسجم و از سویی دیگر زمینه را برای نفوذ ژئوپلیتیک انصاری فراهم کرد. ناگفته نماند که در این زمینه طایفه‌های شهرستان ممسنی خود نامزدهایی به طور مشخص در انتخابات داشتند که همین مسئله در تکاثف و همگرانشدن شهرستان ممسنی موثر بود. یعنی اگر طایفه‌های موجود در ممسنی در کنار طایفه جاوید که نامزد این طایفه در قامت نماینده شهرستان برخاسته بود، نامزدی در انتخابات نداشتند، این مسئله به طور ناخواسته زمینه را برای تقارب منطقه ممسنی فراهم می‌کرد که اینطور نشد. روی هم رفته در پی رقابت دو شهرستان رستم و ممسنی، رستمی‌ها به طرز باورنکردنی از هسته سخت شهرستان یعنی نورآباد عبور کردند و آراء هنگامی دشت کردند. همانطور که در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد مجید انصاری در بخش مرکزی ممسنی ۱۰۵۲۴ رأی کسب کرد که این خود رأی استوار و سنگینی محسوب می‌شود؛ چراکه این بخش عمدتاً زادگاه و محل زیست ساکنان جاوید و بکش است. بنابراین در تحلیل آراء این بخش می‌توان گفت؛ بخشی از این رأی (شاید بتوان گفت ۵ هزار رأی)، رستمی‌های ساکن در بخش مرکزی ممسنی هستند که قلیل و کم‌تعداد هم نیستند و بخشی از این آراء (شاید بتوان گفت ۵ هزار رأی)، هم طرفداران بکشی و جاویدی انصاری بودند. حتی مجید انصاری در بخش جوزار هم که عمدتاً هم‌ولایتی‌های احمدی هستند توانسته ۲۴۴ رأی تحصیل کند که این در جای خود قابل تأمل است. انصاری در دو بخش ماهور میلاتی و دشمن‌زیاری هم خوش درخشیده است. به ویژه در ماهور میلاتی که به نظر هم به دلیل نفوذ اجتماعی که در آن مکان داشته و هم به دلیل آشنایی و خویشاوندی که با توده رأی‌دهنده ماهور داشته، توانسته است این مقدار رأی استوار را به رباید. در مقابل علی احمدی نتوانسته است در شهرستان رستم نفوذ و کنترل فضای جغرافیایی را به دست گیرد. تقریباً از ۴۰ هزار رأی متعلق به حوزه زیستی رستم، احمدی

توانسته ۱۸۷۷ رأی این منطقه پهناور را کسب کند که رأی ناچیز و اندکی است. یکی از دلایل، تاخیر در ورود به انتخابات و تبلیغات و کادرسازی ضعیف تیم احمدی در شهرستان رستم بود، ولی دلیلی اصلی و پایه‌ای اینکه احمدی رأی ناچیزی در شهرستان کسب کرد، این بود که رستمی‌ها با تمام قوا رویکرد ژئوپلیتیک همگرایی را در پیش گرفتند و این رویکرد چنان قلمرو جغرافیایی رستم را هم‌بسته کرد که احمدی و پیروانش هرگز نمی‌توانست این انسجام را تشویش و بی‌ثبات کند. در مجموع، در پی هم‌آوردی دو شهرستان رستم و ممسنی، این رستمی‌ها بودند که سهم زیادی از یک آراء را کسب و فاتح نبرد انتخابات شدند.

واکاوی و تحلیل فضایی توزیع آراء در یازدهمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی عمدتاً در فضاهای جغرافیایی متمرکز بود که این بازیگران یا در آنجا متولد شده بودند و یا خویشاوندان و هم‌طایفه‌ای آنها در آنجا سکنه گزیده‌اند. به بیان گویاتر، آراء در این دوره از انتخابات از توزیع و پراکنش یکسان و همگنی در تمامی مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی حوزه انتخابیه ممسنی برخوردار نبوده است، بلکه ثقل و تمرکز آراء در فضاهای متناسب به بخش‌ها و طوایفی است که از پرنفوس‌ترین جمعیت و میزان رأی‌دهنده برخوردار است (جدول شماره ۲). به عبارتی، الگوی رأی‌دهی در حوزه انتخابیه ممسنی بازیگران انتخاباتی در زادگاه و قلمرو طایفه آنها بیشتر از دیگر مکان‌ها و سکونت‌گاه‌ها باشد و نامزدهایی که محل تولد آنها از جمعیت کافی برخوردار نباشد میزان آراء آنها به حد نصاب نرسد. بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، مجید انصاری ۵۲ درصد از مجموع ۹۴۳۸۶ آراء را کسب کرده است. از نظر توزیع فضایی، مجید انصاری از مجموع آراء خود، با ۷۲ درصد بیشترین پُشتیبان رأی را در طایفه رستم که محل تولد و زیستگاه وی است، به دست آورده است (جدول و نقشه شماره ۲). شهرستان رستم بزرگترین تکیه‌گاه ژئوپلیتیک مجید انصاری به شمار می‌رود، چراکه عقبه وی در آنجا عمدتاً زیست می‌کنند. از این‌رو مردم این قلمرو جغرافیایی، احساس نزدیکی و قرابت با وی کردند و بالاترین رأی را به ایشان داده‌اند. بر پایه آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، علی احمدی ۳۵ درصد از مجموع ۹۴۳۸۶ آراء را کسب کرده است. از نظر پراکنش مکانی، علی احمدی از مجموع آراء خود، با ۷۰ درصد بیشترین پُشتیبان رأی را در طایفه جاوید ساکن در بخش مرکزی که محل تولد و زیستگاه وی است، به دست آورده است (جدول شماره ۲). از طرفی احمدی در بخش نوبنیاد جوزار که در واقع پیوست سرزمینی و امتداد جغرافیایی و هویتی بخش مرکزی (دهستان جاوید ماهوری) محسوب می‌شود بیشترین رأی (۳۹۵۵ رأی) را کسب کرده است (نقشه شماره ۳). این مهم نشانگر آن است که هم‌طایفه‌ای‌های احمدی با وی احساس همذات‌پنداری کرده و محیط جغرافیایی به کنش و منش سیاسی رأی‌دهندگان جهت داده است. همچنین بر مبنای آمار، فتح‌اله دهقان و عبدالحمید ندری هر کدام به ترتیب ۳ و ۲ درصد از مجموع ۹۴۳۸۶ آراء را کسب کرده‌اند. از نظر پنخس جغرافیایی، این دو بازیگر به ترتیب از مجموع آراء خود، با ۹۵ و ۹۴ درصد بیشترین پُشتیبان رأی را در بخش مرکزی و به طور مشخص بخشی‌های ساکن در دهستان بکش دو که محل تولد و زیستگاه عبدالحمید ندری است، به دست آورده

است (نقشه شماره ۴ و ۵). در نهایت، سید علی حسینی ۲ درصد از مجموع ۹۴۳۸۶ آراء را کسب کرده است. از نظر پخش جغرافیایی، حسینی از مجموع آراء خود، با ۸۴ درصد بیشترین پُشتیبان رأی را در بخش مرکزی (عمدتاً تیره بردنگان)^۱ که محل تولد و زیستگاه وی است، به دست آورده است (نقشه شماره ۶) (فرمانداری ممسنی، ۱۳۹۸). بنابراین، بر بنیاد یافته‌های پژوهش ساکنان هر محدوده جغرافیایی در گزینش نماینده سیاسی، معیارها و زمینه‌هایی را مد نظر قرار می‌دهند که با انگاره‌های ذهنی و نیازهای محیطی ساکنان (رأی دهندگان) متناسب است.

جدول شماره ۱: آراء نامزدها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه	حوزه انتخابیه	تحصیلات	شغل	آراء نامزدها
۱	مجید انصاری	رستم	ممسنی	دکتری	وکیل	۵۰۰۰۸
۲	علی احمدی	جاوید	ممسنی	دکتری	استاد دانشگاه	۳۳۵۱۴
۳	فتح اله دهقان	بکش	ممسنی	دکتری	بازنشسته سپاه	۳۶۲۸
۴	عبدالحمید ندری	بکش	ممسنی	ارشد	رئیس اداره کار و تعاون	۲۷۲۰
۵	سید علی حسینی	رستم	ممسنی	ارشد	کارمند امور اراضی استان فارس	۲۵۷۵

منبع: (فرمانداری ممسنی، ۱۳۹۸).

^۱ بر بنیاد سامان سیاسی فضا، مجموعه روستاهای بردنگان، قلمرو بکش است، چراکه در دهستان بکش دو واقع شده است، ولی به لحاظ هویتی، ساکنان این روستا، کیستی‌ای رستمی دارند، چراکه متعلق به طایفه رستم هستند.

جدول شماره ۲: آراء نامزدها به تفکیک بخش‌ها و شهرستان‌ها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای

اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	طایفه (زیستگاه)	بخش مرکزی	بخش جوار	شهرستان	بخش	بخش	جمع آراء
۱	مجید انصاری	رستم	ممسنی (زیستگاه)	ممسنی (زیستگاه)	رستم (زیستگاه)	دشمن‌زیاری	ماهورمیلاتی	۵۰۰۰۸
۲	علی احمدی	جاوید	۲۳۴۰۱	۳۹۵۵	۱۸۷۷	ممسنی (زیستگاه)	ممسنی (زیستگاه)	۳۳۵۱۴
۳	فتح اله دهقان	بکش	۳۴۳۵	۲۰	۹۱	طایفه دشمن (زیاری)	طوایف ترکتبار (قشقایی)	۳۶۲۸
۴	عبدالحمید ندری	بکش	۲۵۴۸	۸	۱۰۸	۳۳	۲۳	۲۷۲۰
۵	سید علی حسینی	رستم	۲۱۵۸	۲۲	۳۱۵	۴۲	۳۸	۲۵۷۵

منبع: همان

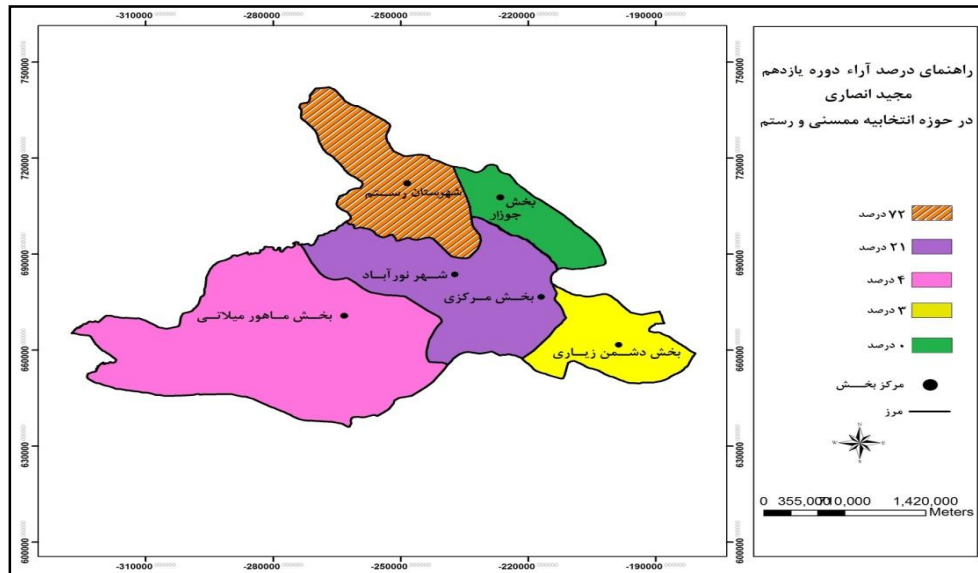
جدول شماره ۳: میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دوره یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			نام حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۷۵	۹۴۳۸۶	۱۲۵۰۰۰	ممسنی و رستم

منبع: همان

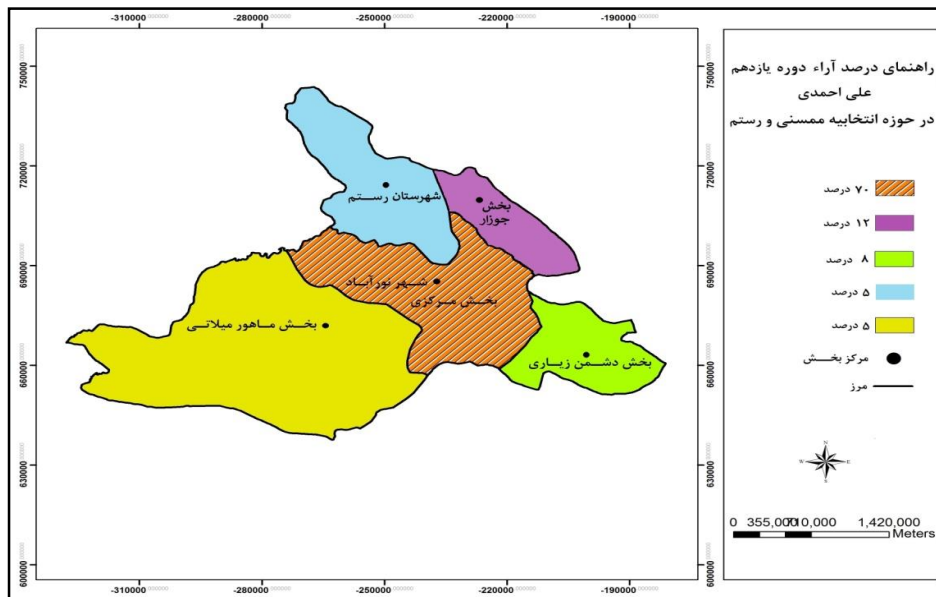
نقشه شماره ۲: تمرکز آراء زادگاهی و طایفه‌ای مجید انصاری در شهرستان رستم

«مجید انصاری متعلق به حوزه جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»



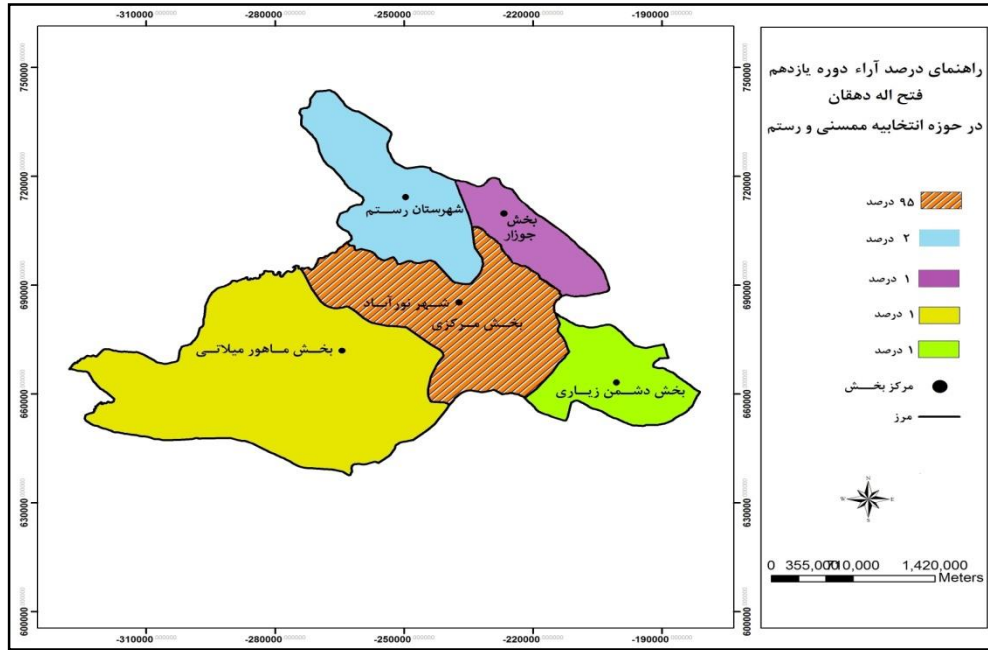
(ترسیم از نگارندگان)

نقشه شماره ۳: تمرکز آراء زادگاهی و طایفه‌ای علی احمدی در بخش مرکزی ممسنی
«علی احمدی متعلق به حوزه جغرافیایی جاوید (طایفه جاوید) است»



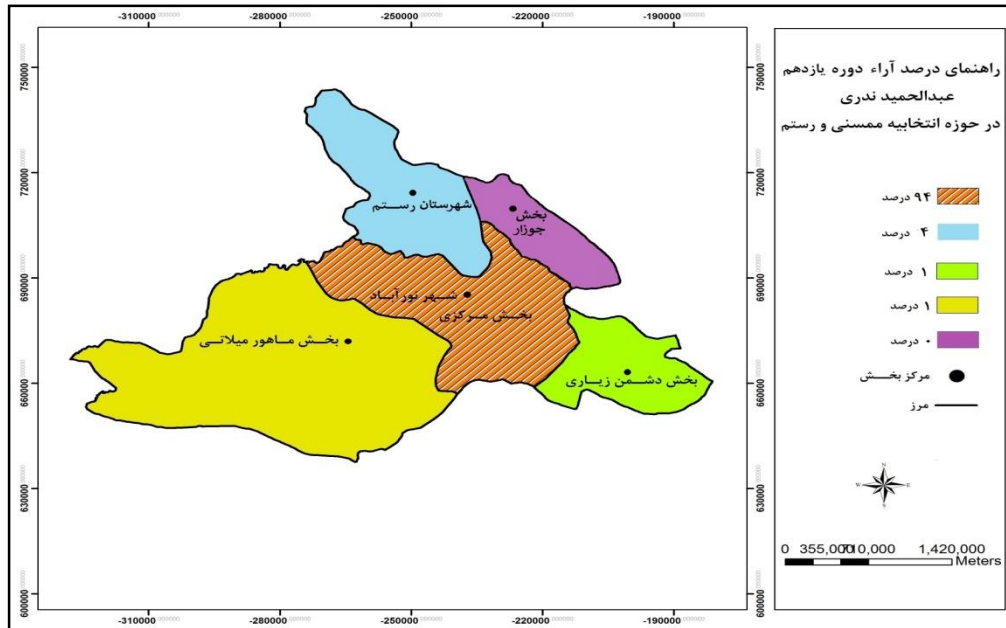
(ترسیم از نگارندگان)

نقشه شماره ۴: تمرکز آراء زادگاهی و طایفه‌ای فتح اله دهقان در بخش مرکزی ممسنی
«فتح اله دهقان متعلق به حوزه جغرافیایی بکش (طایفه بکش) است»



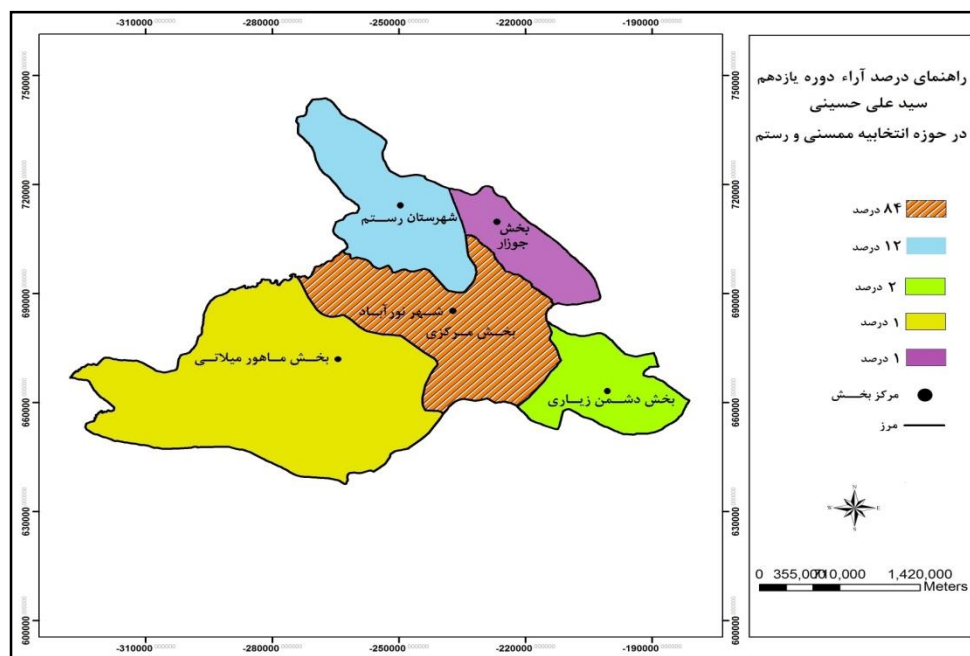
(ترسیم از نگارندگان)

نقشه شماره ۵: تمرکز آراء زادگاهی و طایفه‌ای عبدالحمید ندری در بخش مرکزی ممسنی
« عبدالحمید ندری متعلق به حوزه جغرافیایی بخش (طایفه بخش) است »



(ترسیم از نگارندگان)

نقشه شماره ۶: تمرکز آراء زادگاهی و طایفه‌ای سید علی حسینی در بخش مرکزی ممسنی
 «سید علی حسینی متعلق به حوزه جغرافیایی بکش (طایفه بکش) است»



(ترسیم از نگارندگان)

نتیجه‌گیری

جستار طایفه‌گرایی برآیند گونه‌ای رفتار انتخاباتی به شمار می‌رود که عموماً رأی‌دهندگان همسو با نامزدهای محیط جغرافیای زیست خود رأی می‌دهند. خاستگاه فضایی این الگو عمدتاً در مناطق پیرامونی کشور و در جوامع با ساخت ایلی و عشیره‌ای هم‌بسته با زمین و محیط و مرز است. شهرستان ممسنی از جمله فضای جغرافیایی است که پیشینه‌ای کوچ‌زی و ایلی/عشایری دارند و از مدت‌ها پیش فرهنگ ایلی و عشیره‌ای را از پدران و دودمان خود به ارث برده‌اند. در واقع انسان ممسنی و فرهنگ آن محصول محیط جغرافیایی دره‌متیده با سنت و روحیات ایلی و عشیره‌ای است. در این اجتماع، گروه‌های قومی/طایفه‌ای در شکل سازه‌های فضایی و قلمرو، مهمترین و اثرگذارترین بازیگران سیاسی هستند که در انتخابات نقش‌آفرینی می‌کنند. در واقع انتخابات در چنین ساخت‌های نخستی و اولیه‌ای عرصه نمود عینی رفتار سیاسی طایفه‌گرایی به شمار می‌رود. از این‌رو، انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی متأثر از خصیصه‌های محلی و فضایی است؛ به طوری که الگوی رأی‌دهی محیطی و زیستگاهی، دیرپاترین و آشکارترین نوع رأی‌دهی در این فضای جغرافیایی به شمار می‌رود و محیط‌گرایی به شکل طایفه‌گرایی به کردارها جهت و معنا می‌دهد. واگشایی نتایج دوره یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی نشان داد که پایگاه رأی‌آوری نامزدها در شهرستان‌های ممسنی و رستم بیش از آنکه تابع دموکراسی راستین باشد تابع

همآوردی‌های سخت جغرافیایی، هویتی و طایفه‌ای است. بنابراین، آن نوع مشارکت انتخاباتی حقیقی که شالوده نظام مردم‌سالار را تشکیل می‌دهد در جامعه سنتی ممسنی چندان پدیدار نیست. از این‌رو، شاهد برآمدن نمایندگان از این حوزه انتخابیه هستیم که بخش عمده آراءشان سرشتی طایفه‌ای/خویشاوندی دارد تا جوهری عقلانی/توسعه‌گرا. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد؛ پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی بنیادی هویتی و مکانی دارد و از مجموع آراء و ارقام انتخاباتی چنین بر می‌آید که هر کدام از این اکتیویست‌های سیاسی در قلمرو زادگاهی/طایفه‌ای خود بیشترین حمایت را شده‌اند، به نحوی که این بازیگران عمده رأی خود را در فضای جغرافیایی کسب کرده‌اند که هم در آنجا متولد شده‌اند و هم خویشان و طایفه آنها در آنجا زیست می‌کنند.

منابع

اعظمی، هادی؛ صادقی، وحید؛ حسینی، سید محمد حسین (۱۳۹۷). «تبیین عوامل موثر بر شکل‌گیری پایگاه رأی نامزدها و نمایندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (نمونه‌پژوهی): ادوار هفتم تا دهم انتخابات در حوزه انتخابیه ممسنی». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره ۲.

احمدی، علی (۱۳۹۹). گزارش سخنرانی عمومی علی احمدی در شهر نورآباد، پایگاه خبری دیار ممسنی، قابل دسترس در این آدرس اینترنتی:

<http://diaremamasani.ir/27669>

پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ راستی، عمران (۱۳۸۴). «پویش نه دوره انتخابات ریاست جمهوری با تاکید بر دور نهم، مطالعه موردی: خراسان جنوبی»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دوم، شماره ۸.

حافظنیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زرقانی، سیده‌هادی؛ رضوی‌نژاد، سیدمرتضی؛ حیاتی، سلمان (۱۳۹۷). «تحلیل فضایی نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در شهر مشهد». مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال شانزدهم، شماره ۱.

صادقی، وحید (۱۳۹۳). «بررسی تاثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ (مطالعه موردی: شهرستان ممسنی)». پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا حافظنیا. تهران: گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

فرمانداری ممسنی (۱۳۹۸). صورتجلسه گزارش نتیجه یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی، شهرستان ممسنی.

کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۲). جغرافیای انتخابات با تاکید بر انتخابات ریاست جمهوری، تهران: انتشارات خوارزمی.

میراحمدی، فاطمه‌سادات؛ کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۶). «تبیین رویکردهای غالب در جغرافیای انتخابات. فصلنامه آمایش سیاسی فضا»، دوره اول، شماره ۲.

عباسی، فرید و دهانی ادهم (۱۴۰۰). «نقش حقوق شهروندی و دموکراسی در مدیریت سیاسی فضا»، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره چهارم، شماره ۳.
مرکز آمار ایران (درگاه ملی آمار). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ جدول جمعیت و خانوار به ترتیب استان و شهرستان، قابل دسترس در آدرس اینترنتی:

<https://www.amar.org.ir>

میرزایی تبار، میثم؛ صادقی، وحید؛ حسینی، سید محمدحسین (۱۳۹۷). «نقش گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی در انتخابات مجلس شورای اسلامی، (نمونه‌پژوهی: حوزه انتخابیه ممسنی)». فصلنامه جغرافیای و توسعه ناحیه‌ای، سال شانزدهم، شماره ۲.

Estes, Todd (2005), Where the Votes Are: The Electoral Geography of the Coming Democratic Majority. Oakland University, From: <http://www.beperss.com>

Pattie, Charles & Johnston, Ron (2006), Electoral geography for: Encyclopedia of Human geography. (inpress) At: [www.ggy.bris.ac. Uk/personal/RronJonston/currentPaper/index.htmh](http://www.ggy.bris.ac.uk/personal/RronJonston/currentPaper/index.htmh)